



اخبار کوتاه

دو بحران در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس



ایدمی خطرناک کرونا که خود به تنهایی دنیا را در سراشیبی رشد اقتصادی قرار داده، اکنون در کنار اثرات دومینوی خود در اقتصاد، قیمت نفت را نشانه گرفته است. از این رهگذر، مشکلات اقتصادی اخیر جهان در کنار اختلال در زنجیره‌های ارزش جهانی باعث کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات در جهان شده که از این میان، عمده‌ترین آنها در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس (GCC) نفت است. گسترش کرونا موجب شوک منفی عرضه به دلیل افت ظرفیت زنجیره تامین و همچنین شوک منفی تقاضا ناشی از کاهش خرید مشتریان شده است. از طرف دیگر، عدم اطمینان در مورد ادامه شیوع این ویروس و تاثیرات آن بر سطح تقاضای کل، به انگیزه‌های سرمایه‌گذاری و مصرف داخلی آسیب زده است. با این همه، سقوط قیمت نفت به موج دیگری از کاهش تقاضا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که نفت در آنها مهم‌ترین بخش را تشکیل می‌دهد، انجامیده است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس -بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی- با شوک دوجانبه همه‌گیری کووید-۱۹ و سقوط قیمت نفت روبه‌رو هستند. این ویروس علاوه بر کشورهای GCC، سایر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا (MENA) را نیز تحت تاثیر قرار داده است. گسترش کووید-۱۹، در کشورهای GCC شوک منفی عرضه و شوک منفی تقاضا را به دنبال خواهد داشت که در ادامه تشریح شده‌اند: شوک منفی عرضه در درجه اول ناشی از کاهش عرضه نیروی کار با دو منشأ مستقیم و غیرمستقیم است. ابتلای نیروی کار به همه‌گیری کرونا، منشأ مستقیم و اعمال محدودیت‌های مسافرتی، مقررات قرنطینه و در خانه ماندن نیروی کار برای مراقبت از کودکان یا افراد مبتلا به بیماری در خانواده منشأ غیرمستقیم کاهش عرضه نیروی کار است. شوک منفی عرضه را می‌توان در درجه دوم، متأثر از کاهش مواد اولیه، سرمایه و نهادهای واسطه‌ای دانست که در اثر تعطیلی کسب‌وکارها و مشکلات حمل و نقل ایجاد شده‌اند. شوک منفی تقاضا هم جهانی و هم منطقه‌ای است. مشکلات اقتصادی در جهان و اختلال در زنجیره‌های ارزش جهانی باعث کاهش تقاضا برای کالاها و خدمات شده که مهم‌ترین آنها در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، نفت است. تقاضای داخلی نیز به دنبال کاهش ناگهانی فعالیت‌های تجاری و محدودیت مسافرت‌ها کاهش پیدا کرده است. علاوه بر این، عدم اطمینان از دامنه شیوع ویروس و اثر آن بر میزان تقاضای کل، موجب کاهش سرمایه‌گذاری و مصرف داخلی شده است. سقوط قیمت نفت به موج دیگری از کاهش تقاضا در کشورهای شورای همکاری خلیج فارس که نفت و گاز مهم‌ترین بخش آنهاست، دامن خواهد زد. از طرف دیگر، نوسانات بالقوه بازار مالی می‌تواند تاثیر مضاعفی بر افت تقاضای کل داشته باشد. علاوه بر شوک ناشی از کووید-۱۹، قطع مذاکرات بین اوپک و متحدان آن در هفته اول مارس، منجر به سقوط قیمت نفت شد. در اواخر ماه مارس، قیمت نفت خام برنت به ۲۲ دلار در هر بشکه یعنی کمتر از نصف قیمت آن در ابتدای ماه رسید. در ۱۲ آوریل ۲۰۲۰، ائتلاف اوپک پلاس توافق کردند که تولید نفت خود را از ابتدای ماه می تا پایان ژوئن، ۹/۷ میلیون بشکه در روز کاهش دهند. اگرچه این کاهش حجم تولید قابل توجه است، اما ممکن است هنوز هم از کمبود تقاضای نفت کمتر باشد. منحنی‌های آبی قیمت نفت نشان می‌دهند که بازار انتظار دارد قیمت نفت به کندی به سطوح پیشین بازگردد و در واقع، زودتر از پایان سال ۲۰۲۲ به ۴۵ دلار در هر بشکه برسد. این مساله به معنای کاهش شدید درآمد کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خواهد بود.

هزینه شوک دوجانبه کرونا و افت قیمت نفت برای کشورهای GCC، برابر با ۲/۶ واحد درصد کاهش رشد در سال ۲۰۲۰ ارزیابی شده است که به دلار آمریکا، این رقم حدود ۴۱ میلیارد دلار خواهد بود. البته باید توجه داشت که علی‌رغم سقوط قیمت نفت، کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بین گروه کشورهای MENA، کمترین کاهش رشد را تجربه خواهند کرد.

بازگشت «قران» به پول ملی



نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی دوشنبه ۱۵ اردیبهشت و پس از تصویب کلیات لایحه اصلاح نظام پولی و بانکی، ماده واحده و جزئیات این لایحه را نیز به تصویب رساندند. به گزارش تسنیم، بعد از تأیید این طرح در شورای نگهبان، بانک مرکزی سه هفته وقت دارد آیین‌نامه اجرایی اصلاح واحد پول ملی را به دولت ارائه دهد و اقدامات اجرایی را آغاز کند. همتی، رئیس کل بانک مرکزی در زمان تصویب این طرح در مجلس درخصوص زمان موردنیاز برای ایجاد این تحول، گفت: «از دو تا پنج سال بسته به شرایط آماده‌سازی آن طول می‌کشد و تلاش ما این است که در اسرع وقت صورت گیرد و کارهای کارشناسی و سرعت، لطمه‌ای به اجرای مطلوب آن نزند.» هرچند برخی معتقدند اجرای این طرح به دولت فعلی نمی‌رسد ولی کسب اطلاع تسنیم از بانک مرکزی حکایت از آن دارد که احتمال اجرای حذف چهار صفر از پول ملی در دولت روحانی بالاست. یک مقام مسئول بانک مرکزی در این خصوص گفت: «اقدامات اجرایی این طرح حداکثر ۶ ماه خواهد بود و بعد از آن انتشار پول جدید آغاز می‌شود. گفتنی است، با حذف چهار صفر از پول ملی، «ریال» به «تومان» تغییر می‌کند و براساس لایحه اصلاح ماده یک قانون پولی و بانکی کشور هر تومان معادل ۱۰,۰۰۰ ریال و اضعاف آن «قران» خواهد بود و هر تومان معادل ۱۰۰ قران می‌شود.»



مردنی عیسانی روزنامه‌نگار

همزمانی رکود و تورم در اقتصاد، مردم را برای محافظت از ارزش پول و یا پس‌انداز خود به سمت بازارهای مختلف پولی و مالی یا به قولی trade سوق می‌دهد. در سال‌های اخیر با کاهش دنباله‌دار سود بانکی و ربودن گوی سبقت از سوی تورم، تمایلی برای نگهداری پول در بازار پولی (سیستم بانکی) نماند و عمدتاً بازارهای طلا، ارز، سکه و مسکن (بازارهای مالی) بودند که به‌طور سنتی محافظتی در برابر شوک‌های تورمی برای خانواده‌ها شناخته می‌شدند. این امر هرچند ریسک سید خانوارها را در برابر شوک‌های تورمی پایین می‌آورد اما منجر به اختصاف غیربینه منابع کشور، عدم خلق ارزش (تولید) و در برهه‌هایی؛ تورم بالا می‌شد به‌طوری که در سال‌های اخیر شاهد خانه‌ها و دلارهای زیادی بوده‌ایم که بدون ایجاد مزیت اقتصادی یا در گوشه‌ای مشغول خاک خوردن بودند و یا در بنگاه‌های مورد دلالتی قرار می‌گرفتند، اما در ادامه، اضافه شدن سرمایه‌گذاری در بورس به سید سرمایه‌گذاری خانوارها اتفاق خوبی بود که در دو سال گذشته با رشد خیره‌کننده‌ای شاهد آن بوده‌ایم. مورد توجه قرار گرفتن این مسیر نتایج درازمدت هدف اول؛ ضربه‌گیری برای شوک‌های تورمی و ارزی محسوب می‌شود بلکه در هدف دوم؛ با کمک به جذب مستقیم نقدینگی برای تقویت تولید شرکت‌های عضو بازار، می‌تواند به سودآوری و سرمایه‌گذاری در سطح اقتصاد کلان و به بازدهی مناسب در سطح خرد (سرمایه‌گذاران خرد و حقیقی) کمک کند. با تمام این توضیحات در روزهای گذشته شاهد رشد‌های غیرمعمول و خیره‌کننده در بازار سرمایه بوده‌ایم که سولاتی در ذهن بسیاری از فعالان و کارشناسان بازار سرمایه به وجود آورده است. در واقع به نظر می‌رسد که فعالان به سود در بازار بورس عادت کرده و همین مساله کارشناسان بازار سرمایه را نگران کرده است. این نگرانی‌ها عمدتاً با هشدارهایی همراه بوده که خلاصه آن «غیرواقعی بالا رفتن قیمت‌ها و تشکیل حباب در بازار سرمایه است. از طرفی هم دولت درصد عمیق‌تری به بازار و همزمان استفاده از آن برای تأمین بخشی بودجه خود است که انتخاب نکردن سازوکاری صحیح برای این موضوع می‌تواند در کنار فعالیت‌های هیجانی مردم، پیش‌بینی‌های بدبینانه کارشناسان را تحقق ببخشد. در همین رابطه در گزارش امروز «فرهنگیستان» در مصاحبه با مهدی سوری، کارشناس بازار سرمایه به بررسی ابعاد مختلف این مساله پرداخته‌ایم.

بورس ۹۹ همه رکوردها را زده است

در جریان معاملات بورس اوراق بهادار در سال جاری در مدت ۲۸ روز معاملاتی، تعداد ۱۷۸ میلیارد و ۲۲۰ میلیون سهم و حق تقدم به ارزش ۱۷۲ هزار میلیارد تومان در ۳۰ میلیون دفعه در بورس اوراق بهادار مورد معامله قرار گرفته است. شاخص کل نیز که معاملات امسال بورس را از ارتفاع ۱۱۲ هزار و ۹۰۰ واحد آغاز کرده است، تاکنون با ۴۶۶ هزار و ۲۰۶ واحد رشد، معادل ۹۰ درصد افزایش را به ثبت رسانده و به ارتفاع ۹۷۹ هزار و ۱۰۶ واحد رسیده است. از طرفی بازیگران حقیقی همانند روزهای اخیر در نقش خریدار ظاهر شدند. در این مسیر روز یکشنبه و دوشنبه بیش از دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون سهم به ارزش دو هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان به پرتفوی حقیقی‌ها افزوده شد که در تاریخ معاملات بازار سهام بی‌نظیر بود.

دولت تمایلی برای هدایت نقدینگی به سمت تولید ندارد

دولت فعلی نشان داده با فشار مالی و تأمین کسری بودجه خود را بر مردم تحمیل می‌کند، مستقیم یا غیرمستقیم، دولت کنونی با انواع و اقسام تشویق‌ها به دنبال هدایت نقدینگی مردم به بازار بورس است تا منابع مالی آنها را تحت اختیار خود قرار دهد یا اینکه از طریق استقراض از بانک مرکزی یا شبکه بانکی و دستگاه‌های مثل صندوق بازنشستگی که به نوعی به دولت وابسته هستند منابع مالی مردم را به سمت خود سوق دهد. در واقع در تمام این فرآیندها بدهی دولت به شبکه بانکی روز به روز بیشتر می‌شود. از طرفی حجم نقدینگی کشور به مرز ۲۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، سیل بزرگی که می‌تواند تولید را جابه‌جا کند و شرایط ویژه‌ای را برای چشم‌تولید رقم بزند. قطعاً با عدم تغییر بسیاری از قوانین دست‌وپاگیر و سودهای بانکی بالایی که از تولید گرفته می‌شود نقدینگی کشور تمایلی به حرکت به سمت تولید ندارد، لذا تا زمانی که دولت برپایه همان سیاست‌های اقتصادی قبلی حرکت کند در به روی تولید گشوده نمی‌شود. عدم تغییر در سیاست‌های

«فرهنگیستان» در گفت‌وگو با یک کارشناس بازار سرمایه بررسی کرد

دولت برای بورس چه کار کند؟



تقویت هسته معاملاتی بازار است. لازم به ذکر است که تبدیل شدن بازار سهام به بازوی تأمین مالی دولت و همزمان، تشویق مردم از سوی دولتمردان، هر اتفاق نامناسبی در این بازار را تبدیل به مطالبه سرمایه‌گذاران خواهد کرد، بنابراین بازار همچنان لزوم توجه دولت را می‌طلبد.

مهم‌تر از حباب، هسته ناقص معاملاتی است

سوری می‌گوید که تاکنون عمده مباحث درخصوص فعالیت فعلی بورس ایران، مربوط به شکل‌گیری حباب بوده است، اما آن چه بیشتر از حباب قیمتی، وضعیت کنونی بازار سرمایه را تهدید می‌کند جوابگو نبودن هسته معاملاتی این بازار و دستورالعمل‌های سازمان بورس است. اگر بازار سرمایه نتواند به جذب فزاینده نقدینگی بپردازد، نه تنها رشد بازار سرمایه متوقف شده، بلکه امکان کوچ نقدینگی‌ها از بورس به بازارهای موازی مثل دلار و طلا وجود دارد. بنابراین حالا که سازمان بورس در سایه تحریم‌ها امکان خریداری هسته‌های جدید معاملاتی را ندارد، بهتر است که دولت به عنوان حامی و ذی‌نفع از این وضعیت هرطور که شده، اقدام به گسترده‌تر کردن و تقویت هسته معاملاتی بازار کند. کارشناسان دولت و حتی اقتصاد به‌خوبی واقف بر این مساله هستند که مدل رشد بازار همراه با ورود نقدینگی است که ادامه پیدا خواهد کرد و این وضعیت هسته معاملاتی، توانایی جذب حجم بیشتر از این مقدار نقدینگی را نخواهد داشت.

مهم‌ترین اقداماتی که تا به حال انجام شده است

شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات سازمان بورس با فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی شهریه‌شهر، بخشی از مردم و افراد جامعه را با این بازار آشنا کرد و در واقع زمینه ورود تاریخی مردم و سرمایه‌های آنها را به بازار فراهم کرد. از طرفی نیز بانک مرکزی و وزارت اقتصاد با حمایت‌های قابل قبولی که از بازار بورس به عمل آوردند، به تقویت این ستاروی کمک بزرگی کردند. در ادامه دولت نیز گام بزرگی با قبول واگذاری بخشی از شرکت‌ها و بنگاه‌های خود در راه تقویت بازار سرمایه برداشت، اما سازوکاری که برای این عرضه‌ها استفاده شد، مورد قبول عده‌ای از کارشناسان مالی و اقتصادی نبود.

بازار سرمایه تبدیل به موسسات مالی و ورشکسته نشود؟

موضوع بازار سرمایه با موسسات مالی بسیار متفاوت بوده، چرا که آن موقع مردم، پول خود را به امانت نزد موسسات سپرده بودند و پس از مدتی نیز خواستار اصل و فرع (سود) پول خود شده بودند. موسسات نتوانستند تعهدات خود را اجرایی کنند و همین باعث بروز اتفاقات تلخی شد، اما در بازار سهام افراد شخصاً تصمیم‌گیر سرمایه‌ها و آورده خود هستند و اگر رفتار هیجانی خود را کنترل کنند و با آگاهی وارد این بازار شوند، در طولانی‌مدت همه آمارها نشان می‌دهد بازار بورس ایران با همه افت‌وخیزهایی که داشته، سودده‌ترین بازار مالی کشور طی ۱۰ سال اخیر بوده است. بنابراین افزایش آگاهی‌ها و کنترل هیجانات از سوی سرمایه‌گذاران و توصیه‌هایی که در اینجا به دولت داشتیم، می‌تواند نگرانی‌ها درخصوص بورس را تا حدودی کم کند و شاهد اتفاقات بد نباشیم. همچنین توجه داشته باشیم مثبت و منفی بودن ذات بازار سهام است و طبیعی است کسی که وارد این بازار می‌شود، می‌داند که این بازار یک روز متعادل شده و همیشه صعود قدرتمند خود را ادامه نخواهد داد. از طرفی بدبینی‌ها نیز همیشه به بازار وجود داشته است، اما افراد باید بدانند که در صورت رعایت توصیه‌های گفته شده، می‌توانند حضوری فعال، دنباله‌دار و سودمند در بازار داشته باشند.

انجام است که همین مساله بسیار مهمی است که در کنار نکات منفی، نکات مثبتی نیز به همراه دارد. به عنوان نمونه زمانی که حباب قیمتی در بازار مسکن شکل می‌گیرد و قیمت‌ها را در این بازار بالا می‌برد، بسیاری از سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به فعالیت در این حوزه می‌شوند، در واقع این نمونه را می‌توان به همه کالاها و بازارها تعمیم داد. با این اوصاف فعالیت‌های سفته‌بازانه در بازار سهام که ممکن است حباب قیمتی را نیز شکل دهد، توانایی ایجاد انگیزه برای راه‌اندازی خط‌های تولید جدید در بسیاری از سرمایه‌گذاران دور از بازار را خواهد داشت، چرا که در این حالت همانند بازار مسکن، ارزش شرکت‌ها بالا رفته است.»

توصیه‌هایی به تازه‌واردهای بورس

سوری درخصوص چگونگی رفتار اضلاع مختلف بازار سرمایه برای ادامه‌دار بودن رشد فعلی بورس نیز توصیه‌هایی برای افراد حقیقی دارد. وی معتقد است اینکه گفته می‌شود با ورود تعداد قابل توجه افراد حقیقی و فعالیت هیجانی آنها در بورس، حباب تشکیل شده است، البته این مساله به معنی موافقت با ایجاد شدن حباب در هیچ بازاری نیست، اما این نتیجه را به ما نشان می‌دهد که حتی فعالیت‌های نادرست در بازار سهام همانند بالا رفتن قیمت شرکت‌ها می‌تواند برای اقتصاد، فوایدی نیز داشته باشد. اما در هر حال در چنین شرایطی این اشخاص تازه وارد و غیرحرفه‌ای هستند که عمدتاً با گران خریدن سهام شرکت‌ها متضرر می‌شوند. بر همین اساس پیشنهاد تمام کارشناسان به افراد عادی، ورود آگاهانه به بازار سرمایه و استفاده از ظرفیت‌های غیرمستقیم سرمایه‌گذاری همانند صندوق‌ها است. همچنین حداکثر سرمایه‌ای که افراد برای خرید سهام و سرمایه‌گذاری در نظر می‌گیرند باید قسمتی از دارایی‌ها باشد که در صورت افت بازار سهام، ضرری به تمام آن وارد نکند. از طرفی هم حداقل سرمایه‌ای نیز که پیشنهاد می‌شود، مبلغی است که در صورت رشد بازار بتواند سود مناسبی را به سرمایه‌گذار برساند.

دولت چه کند؟

در کنار توصیه‌ها به افراد حقیقی و سرمایه‌گذار، به دولتمردان نیز توصیه می‌شود که استفاده از ظرفیت بازار سرمایه برای خصوصی‌سازی سالم و صحیح بسیار ارزشمند است. در واقع به جای جلوگیری از ورود نقدینگی به بازار سرمایه، بهتر است که ظرف بازار با عرضه شرکت‌های دولتی عمیق‌تر و گسترده‌تر شود. اما مهم است که دولت، بازار سرمایه را که هرچند محلی برای خصوصی‌سازی واقعی است، اما نباید وسیله‌ای برای تأمین مالی کسری‌ها کند. گرچه رسالت بازار سرمایه تأمین مالی است اما این نوع نگاه دولت به بازار سرمایه اگر دائمی و جبرانی شود، مشکل‌زا خواهد بود. به عنوان نمونه عرضه شرکت‌های دولتی که از روز گذشته ثبت‌نام و تخصیص آن از طریق صندوق‌ها آغاز شده است، واگذاری‌ای است که در نهایت مالکیت و مدیریت را در اختیار دولت نگه خواهد داشت. بر همین اساس تا مادامی که در این نوع عرضه‌ها، مدیریت و مالکیت نیز به بخش مردمی واگذار نشود، نه تنها تغییری صورت نگرفته، بلکه استفاده از ظرفیت بازار نیز صورت نپذیرفته است. از طرفی با توجه به نقدینگی موجود در جامعه و تعدد شرکت‌هایی که به این نقدینگی نیاز دارند، دولت باید زیرساخت‌های بازار سرمایه را جوابگو این حجم از معاملات کند. در واقع حالا که هم در طرف عرضه و هم تقاضا متقاضیانی وجود دارد باید زیرساخت اتصال این دو فراهم شود. این زیرساخت‌ها شامل دستورالعمل‌ها، قوانین و

اقتصادی دولت به معنای عدم تغییر در روند تولید کشور است. بی‌گمان با جرات می‌توان گفت دولت تمایلی برای حرکت دادن سرمایه‌های مردم به سمت تولید ندارد. از این روست که با تشویق مردم برای سرمایه‌گذاری در بازار بورسی که بخشی از آن حبابی است در حال حاضر صرفاً به دنبال تأمین مالی بوده و تولید را در اولویت‌های بعدی قرار داده است. در ادامه مهدی سوری، کارشناس بازار سرمایه بیشتر در این خصوص توضیح داده است که دقیقاً منظور از این اینکه گفته می‌شود تمایل یا راه‌آه‌ای برای حرکت دادن نقدینگی به سمت تولید یا بخش مولد اقتصاد ندارد، چیست.

آیا بورس ایران ضد تولید است؟

با توجه به دوقطبی‌های ایجاد شده در بازار سرمایه و گرفتار شدن مردم بین نظرات مختلف، پرونده بازار سهام نیاز به واکاوی بیشتری دارد. اقتصاددانان از حباب قیمتی صحبت می‌کنند که هر لحظه امکان ترکیدن آن وجود دارد و در مقابل آنها نیز کارشناسان مالی‌ای هستند که همچنان معتقد به فعالیت در این بازار بوده و از ادامه سود آن استقبال می‌کنند. در عین حال نیز برای رفع دغدغه‌های دوطرف نیز تا به حال اقداماتی از سوی دولت و سیاستگذاران انجام شده است. با توجه به اینکه مردم و دولت در وضعیت کنونی بازار نفع برده و شرکت‌ها نیز چشم‌انداز ادامه این همکاری هستند، لازم است با بررسی نقش مردم و دولت، از اقدامات لازم برای آینده صحبت کرد. در این زمینه «فرهنگیستان» با مهدی سوری، کارشناس بازار سرمایه به گفت‌وگو نشست است. سوری نظرات قابل تاملی را

در مورد نگرش فعلی به بورس در میان اقتصاددانان و کارشناسان مالی مطرح کرده است.

همه فعالیت‌های بورس به اقتصاد ایران کمک می‌کند

مهدی سوری در پاسخ به این سوال که آیا بورس ایران راهی به جز کمک به بخش مولد اقتصاد ایران، راه دیگری می‌رود، می‌گوید: «در روزهای پرشور معاملات سهام، شلوغی صف‌های دریافت کد بورس و پرداختن بسیاری از رسانه‌های غیراقتصادی به این بازار، مساله‌ای که کمتر از آن حرف زده می‌شود، رسالت واقعی بازار سرمایه، یعنی بخش مولد و کمک به آن است. در واقع سواتی که این روزها اذهان تخصصی اقتصاد و بازار سرمایه را به خود درگیر کرده است، چگونگی کمک این نوع بازار به بخش حقیقی و مولد اقتصاد است. برای پاسخ به این موضوع بهتر است بررسی را از رفتار افراد مختلف جامعه که شکل‌دهنده اجزای مختلف اقتصاد هستند، آغاز کنیم؛ افرادی که می‌توانند شامل شخصیت‌های حقوقی (شرکت‌ها)، حقیقی (مردم عادی) و یواید دولت به عنوان بزرگ‌ترین بازیگر اقتصادی باشند. حرکت اقتصادی این گروه‌ها بسیار مهم است، به عنوان مثال زمانی که دائماً در حال خرید از اقسار دستفروش هستیم، در حال حمایت از این نوع کسب‌وکاریم یا اینکه با ورود به بازار مسکن در حال حمایت از کسب‌وکارهای مرتبط با این حوزه قرار گرفته‌ایم. حال فرض کنیم که این گروه‌ها با ورود خود به بازار سرمایه به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به شرکت‌ها، کارخانه‌ها و بخش مولد اقتصاد کمک خواهند کرد که این کمک عمدتاً از طریق عرضه‌های اولیه و شرکت سهامداران در افزایش سرمایه است. اما نکته بسیار مهمی که این روزها در مورد بازار سرمایه مفلول مانده، امکان کمک دائمی به اقتصاد و بخش حقیقی حتی در وضعیتی که حبابی خوانده می‌شود، است. در حال حاضر عمده فعالیت‌های بازار سرمایه در معاملات ثانویه در حال